

هیچ وقت نباید از تلاش برای رویاها دست کشید، همین!

«مهدی عبدی»، گلزن گمنام دربی، که تا چند وقت قبل به عنوان هوادار پرسپولیس را تشویق می کرد، در گفت و گو با زندگی سلام از تحقق رویاهایش می گوید

پرونده

تنها گلزن دربی ۹۰ را تا قبل از دقیقه ۸۲ آن بازی، حتی طرفداران دوآتشه پرسپولیس هم نمی شناختند! صحبت از «مهدی عبدی» است که در ابتدای این فصل به

پرسپولیس بازگشت اما واقعیت این است که حتی خاص ترین آنالیزورها هم نمی توانستند حدس بزنند که در دربی بتواند مرد اول تیمش لقب بگیرد. بگذارید یک خاطره بازی کوتاه با گل عبدی در دربی ۹۰ داشته باشیم:

«کالدرون دو تعویض اش را انجام داده و همه در

انتظار تعویض سوم او هستند. گزارشگر بازی

«جواد خیابانی» دست به پیش بینی می زند

و اسامی را پشت هم می گوید: «عالیشاه،

نادری یا شاید ربیع خواه، کدام یک به

بازی خواهند آمد؟» و پاسخ کالدرون

این بود: «هیچ کدام!». دقیقه ۸۰ بازی،

مرد آرژانتینی آخرین تعویض اش را که

یک سورپرایز است، روی کند. او امیری را

از زمین بیرون می آورد و به جای آن، یک جوان

ناشناخته را به میدان می فرستد. تنها ۲ دقیقه

بعد هم، یکی از شیرین ترین

بردهای فوتبال اش را

تجربه می کند.» بعد از

پایان بازی کلبی از عبدی منتشر شد

که مسیر موفقیت شگفتی ساز دربی را لو داد!

این ویدئو که مربوط به چند سال پیش است، او را پیراهن

پرسپولیس و گرمکنی طوسی رنگ، ساعت ها راه را پیمود

تا نظاره گر مسابقه تیمش با استقلال باشد. حالا و چند

سال بعد، او از روی سکوهای ورزشگاه به زمین چمن این

ورزشگاه رسیده و حساس ترین گل فصل تیمش را هم

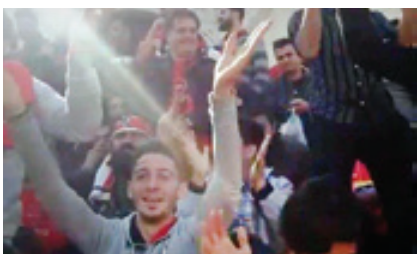
زده است. در ادامه گپ و گفتی با این بازیکن در باره

مسیر سختی که یک نفس و سریع اما با تلاش و پشتکار

از قراخیل تا تازی طی کرده، داشته ایم.



ویدئوی جالبی از عبدی در حال تشویق پرسپولیس از روی سکوهای ورزشگاه آزادی در روز گلزنی علیپور به استقلال در دربی ۸۱



وقتی هوادار بودم فکر نمی کردم گلزن دربی شوم

معمولا هر طرفدار پرسپولیس با استقلال، این آرزو را دارد برای یک بار هم که شده به جای سکوهای ورزشگاه، درون زمین برای تیمش بجنگد. عبدی در باره کلبی که گفته می شود مربوط به دربی ۸۰ است و در ورزشگاه نشسته و پرسپولیس را تشویق می کند، می گوید: «اولا فکر می کنم دربی ۸۱ بود نه ۸۰. من در ورزشگاه با بچه محل هایم بودم و خیلی علیپور را تشویق کردیم چون بچه محل ما بود اما هیچ وقت فکرش را نمی کردم که روزی در دربی بازی کنم چه برسد به این که در مستطیل سبز از زن گل به استقلال خوشحالی کنم. نمی توانم خوشحالی ام را بابت تجربه این حس کتمان کنم، حسی که هنوز هم باورم نمی شود که آن را تجربه کرده ام. فکر می کنم هیچ وقت نباید از تلاش برای رویاها دست کشید. همین...»

خواب گل زدن در دربی را دیده بودم!

بازیکنان باتجربه هم از چند هفته مانده به دربی، ذهن و فکرشان معطوف به این بازی بسیار حساس می شود، هر چند شاید در ظاهر به این ماجرا اعتراف نکنند. حالا وضعیت برای مهدی عبدی جوان، متفاوت تر هم خواهد بود. اما آیا او به بازی کردن در دربی با حضور بازیکنانی بزرگ بر روی نیمکت، فکر می کرده یا خیر؟ خودش می گوید: «تقریبا از یک هفته قبل از دربی، همه فکر و خیال من در باره این بازی بود به حدی که چند شب قبل از بازی به «شجاع خلیل زاده» گفتم که من خواب دیدم که در دربی گل زدم. شجاع شاهد است که به او گفتم من خواب دیدم که از دقیقه ۸۰ به بعد وارد زمین می شوم و گل هم می زنم. یادم هست که شجاع به من خندید و گفت: «پسر تو اول صبر کن و ببین در بین ۱۸ تا هستی، بعدش امیدوار باش و حرف از گل زدن بزنی!» خوشحالم که مزدا اعتماد کالدرون را ادا داد. بگذارید در باره کالدرون و تصمیم هایش در انتخاب بازیکنم بگویم که واقعا خیلی در گیر اسامی نیست و هر بازیکنی را که در تمرین بهتر باشد قطعاً به زمین خواهد آورد.»



خانه یکی از اقوام زندگی می کنم

این روزها بسیاری از خانواده های پولدار و متوسط به بالای جامعه، بچه های شان را در مدارس فوتبال ثبت نام می کنند و خیلی های شان به موفقیت چشم گیری نمی رسند اما عبدی از یک روستا خودش را در ۲۱ سالگی به دروازه استقلال می رساند. او در باره این مسیر سخت و پرفراز و نشیب می گوید: «من از یک شهر کوچک و از یک روستا در قاص شهر، فوتبال را شروع کردم و برخلاف خودم که امید زیادی به آینده داشتم، کمتر کسی فکرش را می کرد که من خیلی زود در اوایل جوانی به تیم محبوبم یعنی پرسپولیس برسم. من سختی های زیادی

غمه خوردن، عاقبتی ندارد

به احتمال زیاد خیلی از نوجوان ها و جوان های عاشق فوتبال بعد از خواندن این گفت و گو با خودشان می گویند که ای کاش ما جای عبدی بودیم و این قدر راحت و سریع پیشرفت می کردیم! او خطاب به نوجوانان می گوید: «می دانم که نوجوانی دوره سختی است اما می خواهم به آن ها بگویم که تلاش کنند و باز هم تلاش کنند. هیچ وقت دست از رویاهای شان برندارند چون به هر حال باید تلاش کرد تا به موفقیت رسید. دست روی دست گذاشتن و غمه خوردن، عاقبتی ندارد.

من هم هیچ وقت فکرش را نمی کردم که این اتفاق در زندگی فوتبال ام آن هم در ۲۱ سالگی رخ بدهد ولی در نهایت، دل چند میلیون پرسپولیسی را شاد کردم.»



۱۴ نکته کلیدی برای رسیدن به اهداف بزرگ

«مهدی عبدی» نمونه خوبی از یک جوان با رویاهای به ظاهر دست نیافتنی است که حالا به بخش زیادی از آن ها رسیده است

سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

شنبه هفته قبل، روز قبل از دربی کمتر کسی مهدی عبدی را می شناخت اما بعد از گلزنی به استقلال چند روزی است همه جا صحبت از اوست. چه فوتبالی باشد چه نباشید، داستان زندگی عبدی می تواند برایتان جالب و درس آموز باشد، جوانی که در سایه تلاش، رویاهایش در حال تحقق است. برای خیلی از ما شانس حکم همه چیز را دارد، مثلاً شانس باید به جای ما در مصاحبه شغلی شرکت کند، شغل را به دست بیاورد، یا بازار را رصد کند و بعد سرمایه گذاری کند و اگر به هر کدام از اهدافمان نرسیم بد شانس بوده ایم، اما از نظر بعضی ها مهدی عبدی خوش شانس بوده که سر نوشت، او را در لحظه حساسی در بهترین جای ممکن قرار داد تا رویایش یعنی گلزنی برای پرسپولیس آن هم در دربی، با اولین دقیقه حضور، در اولین بازی، بعد از اولین لمس توپ محقق شود اما اگر عبدی هدف گذاری خوبی نداشت و تلاش نمی کرد، می توانست از فرصتی که زندگی در اختیارش قرار داده، استفاده کند؟ عبدی می توانست به جای بی پولی و تمرین زیاد و ماندن در خانه یکی از اقوام، به یک تیم معمولی برود، بیشتر بازی کند و بیشتر پول بگیرد اما امروز در این نقطه نبود. هدف گذاری راه و روشی دارد که امثال عبدی در مسیر آن قدم برداشته اند. صحبت هایش در گفت و گو با زندگی سلام هم نشان می دهد موفقیت او اتفاقی نیست، اما این فوت و فن برای رسیدن به اهداف چیست؟

۱ عامل حرکت در زندگی! داشتن هدف، ضرورتی مهم است که به زندگی ما جهت می دهد، منشأ حرکت و امید در زندگی است. هدف به ما نشان می دهد باید کجا باشیم و حالا کجا هستیم؟

۲ هدف به چه دردی می خورد؟ اهداف یک ترجیح نیست، الزامی است برای هر زندگی پویا، برای کسانی که نمی خواهند دچار روزمرگی و تکرار باشند، شوق زندگی و وابستگی زیادی به هدفمند بودن آن دارد چون هدف و تلاش برای رسیدن به آن کسالت و خور را از بین می برد!

۳ شغل و تحصیل هدف نیستند! هدف باید روشن و واضح باشد، مقصد مهمی که باید به آن برسیم، شغل، تحصیل و امثال این ها هدف نیستند بلکه ابزار رسیدن به هدف محسوب می شوند.

۴ هدف دقیق و مصداقی است! خوشحالی، خوشبختی و این نوع عناوین کلی هم نوع زندگی هستند اما هدف نیستند. هدف می تواند در خدمت خوشبختی باشد اما خود خوشبختی هدف نیست، چون دقیق و مصداقی نیست. هدف باید مشخص بیان و ثبت شود و ضرب الاجل های کوتاه مدت و بلند مدت داشته باشد. به طور مثال مهدی عبدی برای رسیدن به پرسپولیس از تیم امید های باشگاه شروع کرده است.

۵ اهداف را خرد کنید! یک هدف بزرگ باید به هدف های کوچک در زمان بندی های مشخص تقسیم شود تا در هر لحظه بدانیم کجای مسیر هستیم و بر اساس توانایی ها و چالش ها باید چه کاری انجام دهیم که از هدفمان دور نشویم.

۶ یک هدف داشتن اشتباه است! خیلی ها فکر می کنند برای رسیدن به هدف باید روی یک موضوع مشخص تمرکز کنند و تا رسیدن به آن، دیگر جنبه های زندگی را تعطیل کنند در حالی که چنین ساز و کاری اشتباه است. ما موجوداتی چند بُعدی هستیم پس باید در زمینه زندگی معنوی، خانوادگی، شغلی، تحصیلی و... اهدافمان مشخص و در یک جهت باشد.

۷ تک بُعدی نباشیم! تمرکز روی یک هدف به دو دلیل اشتباه است اول این که بخشی از نیاز های ما در زندگی نادیده گرفته می شود، دوم این که اگر روی یک هدف برنامه ریزی کنیم و شکست بخوریم به شدت دلسرد می شویم.

۸ شلوغش نکنید! اما این که اهداف زیادی گاهی بی ربط و بعضاً در تقابل با هم داشته باشیم هم اشتباه است. اهداف زیادی بی ربط باعث می شود اولویت های مهم زندگی نادیده گرفته شده و به آن ها نرسیم.

۹ ملاک انتخاب هدف! دو معیار مهم برای انتخاب هدف وجود دارد: اولی علاقه و اشتیاق، دومی ضرورت نیاز. اگر به هدفی علاقه داشته باشیم اما فایده ای نداشته باشد عمرمان راتباه کرده ایم. اگر انتخابمان بر سود باشد اما به آن علاقه نداشته باشیم هم پس از رسیدن به هدف اغنامی شویم.

۱۰ اهداف کوچک؟ [سر اغ اهداف کوچک تر نبود چون ظرفیت های آن را نادیده گرفته ایم اما اهداف خیلی بزرگ هم اشتباه هستند. باید متناسب با توانایی هایمان دنبال اهدافی منطقی و باور پذیر باشیم. به عنوان مثال مهدی عبدی نباید در ۱۷ سالگی دنبال این هدف می بود که در ۲۰ سالگی به بار سا برو اما اگر اهدافش را محدود به بازی در لیگ یک هم می کرد، امروز همچنان ناشناخته بود.

۱۱ هدف وابسته به خودمان باشد! آرزوهای بزرگ با اهداف منطقی تفاوت جدی دارد، برنده شدن در قرعه کشی بانک هدف نیست، یک آرزوی سطحی است چون باتلاش و برنامه ریزی محقق نمی شود و از اختیار خود انسان خارج است. هدف خوب، چیزی است که برای رسیدن به آن نقش شانس و کمک دیگران حداقل باشد.

۱۲ شناسایی منابع و موانع! برای رسیدن به هدف باید منابع و توانایی های فردی مان را بشناسیم و متناسب با هدف تقویت کنیم. از طرفی موانع را هم بررسی کنیم. تنبلی، لجبازی، عجله، خود پسندی و نبود انعطاف در برنامه مانع رسیدن به هدف هستند. **۱۳ تسلیم شدن ممنوع!** اگر خوب و درست هدفمان را انتخاب و برنامه ریزی کردیم، نباید با هر شکست و مانع کوچکی در برنامه عقب نشینی کنیم. راز رسیدن به هدف، ممارست و پابندی در عین انعطاف در برنامه است.

۱۴ دنبال الگو باشیم! مهدی عبدی بچه محلی به نام علی علیپور دارد که در ۱۸ سالگی به استقلال گل زد و مدت زیادی در عین موفقیت ورزشی وضعیت مالی مناسبی نداشت اما عقب نشینی نکرد. برای رسیدن به هدف باید مدام اطلاعات خود را به روز کنیم، هر اقدامی را با هدف تطبیق دهیم، با فدا دمیّت و همراهی همگام معاشرت کنیم. کارها را به تاخیر نیندازیم و به خصوص نیمه تمام ها را تمام کنیم و در نهایت یکی دو الگوی حرفه ای در زمینه مشخص هدفمان داشته باشیم و از همه مهم تر توکل به خدا را فراموش نکنیم.

